

سیری در زندگی و آثار استاد قمرالدین چشتی

گوشه نشین خط و هنر



حمیده انصاری

چکیده

بر همگان و به خصوص به هنرمندان زبده صاحب سبک، مبرهن و آشکار است که شریف‌ترین هنر بصری در جهان اسلامی، خطاطی است؛ مخصوصاً نوشتن قرآن کریم که نفس هنر دینی به شمار می‌رود. بیان جدید برگرفته از اصول و مبانی هنر خوشنویسی، امروزه یکی از راه‌هایی است که هنرمند خوشنویس می‌خواهد از جریان‌های پرسرعت هنری که در جهان پیرامون در حال شکل‌گیری است دور نماند و با خلق آثار هنری اسلامی با حفظ اصالت‌ها با بیانی مدرن در صحنه رقابت جهانی قدم می‌گذارد. این پژوهش با تأکید بر آثار استاد قمرالدین چشتی که یکی از خطاطان برجسته معاصر افغانستان است؛ انجام شده و در خصوص سبک و شیوه استاد در هنر خوشنویسی مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای (مراجعه به آثار استاد از شروع تاکنون، کتاب، مقاله، سایت‌های هنری و گفتگو با هنرمند) و با تحلیل در ساختار و سبک آثار منتخب استاد که به صورت تصادفی انتخاب شدند؛ انجام پذیرفته است. نتایجی که از این تحقیق به دست آمده این است که هنر خوشنویسی در افغانستان دارای سابقه طولانی بوده و هنرمندان خوشنویس بسیاری هم در گذشته و هم امروز، در این وادی مقدس با قبول رنج‌ها و فشارهای گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، نگذاشته‌اند تا این هنر اصیل از این جامعه فلاکت‌بار رخت بریندد و تارمق داشتند کار کردند و به نسل‌های جدید انتقال دادند. هنرمند مورد نظر ما نیز سال‌های زیاد چه در دیار غربت و چه در کشور خود از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و با تلاش‌های شبانه‌روزی خویش، هنر خوشنویسی را زنده و پابرجا نگه داشته است. وی با تکیه بر تجربیات طولانی خویش با بیانی مدرن آثاری شگفت را خلق نموده که توجه به آن‌ها خالی از لطف نخواهد بود.

واژگان کلیدی: هنر خوشنویسی، استاد قمرالدین چشتی، معاصر

مقدمه

در هنر مقدس خوشنویسی که در کلیت خود دارای شرافتی خاص بوده و نوآوری در آن نیز برگرفته از عنایات الوهیت نهفته در حقیقت هنر به وجود می‌آید (بوکهارت).

کلمات از حیث باطن، متصل به عوالم ملکوتی خود بوده متجلی می‌گردند. در همراهی خویش با منطقی که از ضخامت و نازکی توأم با دریافت می‌کنند؛ نهایتاً به حرکتی تبدیل می‌شوند که آن به نام هندسه روحانی نام‌گذاری شده‌اند. با استعانت از گفته‌های بزرگان و دانشمندان و نظریه‌پردازان عرصه هنر خوشنویسی در می‌یابیم که ارزش و اهمیت کلمات بسیار والا بوده و کتابت آن هم هنرمند متعهد را می‌طلبد که به ظهور آن اقدام نماید. در واقع دل و جان هنرمند خوشنویس بسته به عالم بالاست و بدون وجود تجلی و انوار حق هرگز نمی‌تواند گامی به جلو بردارد. انسان به هر سو بنگرد دارای همان شخصیت می‌شود و وجودش توأم با آن خواهد شد. به این معنا که ارزش هر انسانی بستگی به طلب او دارد یعنی ارزش هرکس به آن بسته است که در پی چیست. اشخاص و افراد متعددی قدم در این وادی قدم نهادند؛ اما کمتر کسی موفق شده تا دل و جان هنر را دریافته و آثاری دلنشین بیافریند.



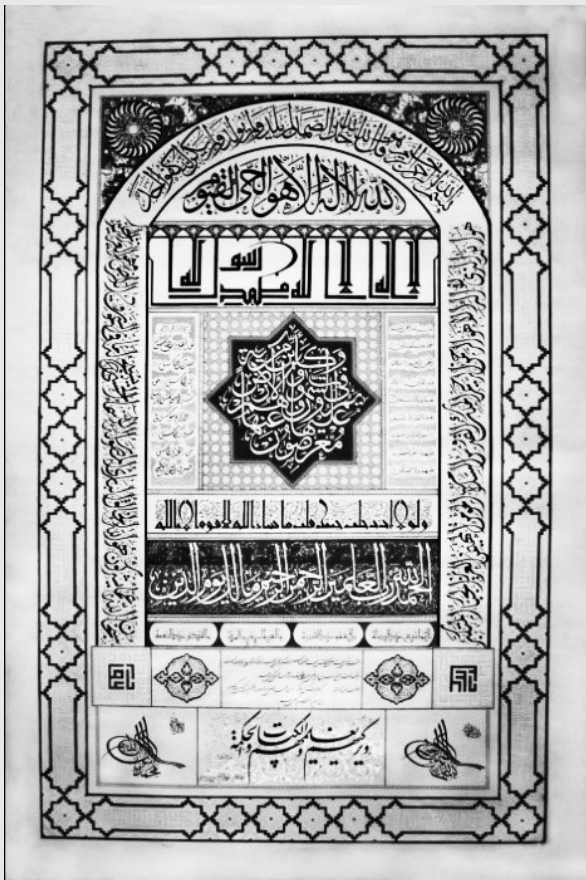
نوشتن یک طلسم است و مراحل نوشتن یک هنر، جادویی است که نه فقط با تکنیک عالی و تجربه و هنر بلکه با ویژگی معنوی و روحانی آن نیز ارتباط دارد (شمیل، بی تا: ۲۹).

هر کلمه‌ای که در صورت به تکرار شبیه است؛ اما در ذیل باطن الهی خویش در هیچ موضعی تکرار پذیر نبوده و نیست. در حقیقت اساساً تکراری در کار نیست بلکه اگر در ساحت مقدس خوشنویسی هر کلمه، با آن که در نظر سطحی شبیه هم هستند؛ اما در هر بار به تجلی تازه و نوپیدی خلق می‌گردند. مدارج هر طبقه و شرافت هر رتبه نسبت به رتبه بعد از خود کاملاً مشخص می‌گردد.

تعریف هنر خوشنویسی

هنر خوشنویسی ریشه در فرهنگ و تمدن اسلام داشته و با زندگی ما عجین شده است. واژه هنر در قلمرو زبان فارسی در طول تاریخ معانی متنوعی داشته؛ از جمله به معنای کمالات، فضایل، حسنات، برتری‌ها، صفات نیک، توانایی، قابلیت‌ها، توانمندی، قدرت، صنعت، حرفه، کسب و خطر و تهدید به کار رفته است (هاشم نژاد، بی تا: ۲).

مقصود از تعریف هنر در این جا این است که هنر خوشنویسی یکی از هنرهای اسلامی است که در دوره ظهور اسلام و بعد از آن از طرف مسلمان‌ها در بذل توجه بود و هنرمندان صاحب ذوق با کشف رموز آن سبک‌ها و شیوه‌های زیبایی را پدید آوردند. شاعر نامدار در اهمیت هنر



حافظ

چنین سخن می‌راند:
تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست
راهر و گر صد هنر دارد توکل بایدهش
عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگو
نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند
عشق می ورزم و امید که این فن شریف
چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

گر هنر داری و هفتاد عیب
دوست نبیند به جزء آن یک هنر
اگر مرد هست از هنر بهره‌ور
هنر خود بگوید نه صاحب هنر

سعدی

صرف نظر از معنای عام هنر که حتی امروزه هم کاربردی گسترده دارد، هنر در معنای خاص خود به مصادیق ویژه‌ای از قبیل؛ شعر، نقاشی، فیلم، عکاسی، خطاطی، تئاتر، مجسمه‌سازی و انواع دیگر هنرها اطلاق می‌شود.

از آن‌جا که عالم حروف و کلمات، دون عالم اصوات و فوق عوالم تصویر، از حیث باطن تلقی می‌شوند، بررسی عوالم مافوق توسط عوالم دون، امری بی‌خردانه به حساب می‌آید. ناگفته نماند که این هنر زیبا مانند دیگر هنرها دارای فنون و قواعدی است که هر علاقمند و پیرو با پشتکار، بایستی آن مراحل را طی نموده و در تمرین آن‌ها ممارست کافی داشته باشد تا به هدف برسد. تمام اصول و معیارهایی که برای هر چه بهتر نوشتن خطاطی در نظر گرفته شده یک به یک باید اجرا شود. در این هنر مفاهیم و قواعدی چون نشست و کرسی، وصل و فصل، خلوت و جلوت، سواد و بیاض و سطح و دور، از جمله قوانینی هستند که توسط عالمان و هنرمندان برجسته طرح و در نظر گرفته شده و نسل به نسل انتقال پیدا کرده‌اند. هر کدام از این اصول در زیبایی اثر خطی، نقش داشته و دارای اهمیت زیاد هستند.

گذری بر تاریخ خوشنویسی

در وادی خلق و عالم ملک، کلام و کلمه به طریق مکتوبی به منظور حضور در عرصه وجود اداء می‌شوند. در خصوص کلمات شفاهی و یا ملفوظی، به انواع قرائت‌ها، آواها و ترانه‌ها و نهایتاً زبان‌های محاوره‌ای می‌توان اشاره کرد و در اقلیم کلمات مکتوبی می‌توان به کلیه دست‌نوشته‌ها و متون مختلف رجوع نمود. پس از آن انسان در جهت حفظ و حراست و از بین نرفتن مفاهیم معنایی و شفاهی و ارسال پیام کلمات بر نسل پس از خود متوجه ارزش و خاصیت کتابت گردید. از این‌جا بود که فنون نوشتاری متعددی در زمان‌های مختلف به وجود آمد تا این که پس از ظهور ختمی مرتبت یعنی خاتم انبیاء (ص)، کاتبان وحی از کلام الهی و باطن و مفاهیم آن کسب فیض نموده توفیق تصرف در صورت و ظاهر کلمات الهی را یافتند تا گرمی کسب شده از وجود منجی خود و عشق بدو را به واسطه پنجه مبارک‌شان در جان کلمات تزئین بخشند.

در همین زمان بود که خوشنویسی به مفهوم زیبانگاری کلمات در بیکر بی‌جان حروف؛ تجلی نمود و خود روزنه و مدخل مقدس و پر رمز و رازی شد در اظهار مهر و دلدادگی کاتب (افندی، بی تا: ۴۱).

خوشنویسی، در عین حفظ صورت، کلمات و حروف، قدرت تسخیر در باطن کلام را به لحاظ درون پر رمز و رازشان اتخاذ نموده‌اند تا آن‌جا که فقط در عرصه نستعلیق، پانصد سال است که ظاهر حروف به یک صورت نقش پذیرفته، اما باطن مفردات و ترکیبات در خطوط مختلف استادان کاملاً مشهود است. مصداق و گواه بر این مطلب، تفاوت شیوه‌ها و اختلاف قلم‌رانی در خوشنویسی است. ارتباط ضخامت و نازکی در خوشنویسی رابطه‌ای منطقی را در این هنر ظریف برقرار می‌کند که این رابطه به طور ناخودآگاه در مخاطب نیز ایجاد نظمی خاص می‌نماید و او را به تعادلی منتظم هدایت می‌کند.

مختصری در زندگی استاد قمرالدین چشتی

راه یافتن به دنیای سکوت و پر معنای این دل‌باخته و شیدای راستین با بیان احساس هنرمندانه‌اش برآستی دشوار است؛ چرا که زبان کلمات هرگز نخواستند تن به توجیه دست کم چهل سال تکاپویی که استاد در این سال‌ها داشته است بدهند. امروز بی‌هیچ تعبیر و تفسیر ناچاریم خودمان را در گمنامی و عزلت‌گزینی این عاشقان سینه چاک دخیل بدانیم البته اگر لایق این ساحت باشیم. هر چند این خلوت‌نشینی دور از هیاهو و قیل و قال مادی، همان رمز و رازی باشد که این آهوی گریزان



در کارهای استاد به وضوح می بینیم که با مهارت و تبحر خاص با حفظ اصالت‌ها در پی کشف حقایق بالاتر است. ساختاری یعنی چگونگی صورت و ظاهر و هم خوانی اجزای متشکل برای بیان یک مفهوم.

بیشتر یکی از ویژگی‌های این آثار به شمار می‌آید. توجه به تمام نقاط در تابلو برمی‌گردد به دیدگاه عرفانی و ملکوتی که همه چیز در جای خود زیباست و در عین منحصر به فرد بودن در کنار دیگری معنا و مفهوم دارد.

نقش رنگ و استفاده از آن در خوشنویسی

استاد در آثارش با استفاده از پرتوهای گرم و روشن رنگ‌ها در لابه‌لای کلمات و حروف که با ترکیباتی موجز و هماهنگ کتابت شده‌اند اعتباری دیگر ارزانی داشته که اگر به عمق و معنای آن دخیل شویم برآستی در می‌یابیم که چه ظرافت روحی و پاکی نیست و خلوص می‌باید تا چنین تصویری شکوهمند ایجاد شود.

استاد با کوله باری از صداقت و راستی که تمامی زندگی هنری‌اش را از آن یافته و رؤیاهای شیرین جوانی را به خلق کلماتی ملکوتی و نورانی که با کلک پربرکتش آزرین یافته بخشیده است و اکنون با چشمانی روشن‌تر از گذشته، قلبی آکنده از مهر و عطف یک انسان هنرمند و با ذوقی سرشار با فراتر گذاشته و سبکی نو و در عین حال زیبا را پیشکش دوست‌داران این هنر می‌کند.

طرح‌های پیچ در پیچ استاد که با شکلی نظام‌مند ترتیب یافته از ظرافت و دقایق بسیار حکایت دارد. انتخاب رنگ‌ها و جایگزینی آن‌ها به روشی کاملاً جدید نیازمند تجربه و تبحر بسیاری می‌باشد و با اوصافی که از استاد شنیدیم بعید نیست.

آثار استاد مانند صداقت آب و آینه است که در جویبار هنر و زندگی‌اش به هم پیوسته و آثارش همچون پرده‌ای زیبا است که در باغی سرسبز در میان نسیم خوشایند آواز یار سر می‌دهد.

از شهرت و آوازه را در دشت سرسبز و شاداب هنر خوشنویسی به بند ترکیبات اعجاز‌آمیز کشانده و به مدد انتخاب محتوا، خالق حقایقی افسونگر شود. وی با حل این معما که پویایی و بالتدگی را توأم با هم در اثر هنری‌اش پیاده نماید، شاید سخنی به گزاف نباشد که این هنرمند را به اسطوره تبدیل نموده است.

ساختار در خطاطی‌های استاد

روح حکمت و تفکر موجود در هنر خوشنویسی در ساختار آن نهفته است که با این صورت ظاهری باری از معنا را با خود حمل می‌کند. سلیقه و ذوق خوشنویس ما دخیل در خلق این نوشتار زیباست. ضرب‌آهنگ حروف و کلمات و رقص موزون کلام در کنار الوان رنگارنگ و زیبا سیطره‌ای جذاب با عمق معنای گسترده را ایجاد نموده‌اند که هر بیننده‌ای را به خود جذب می‌کند. در کارهای استاد به وضوح می‌بینیم که با مهارت و تبحر خاص با حفظ اصالت‌ها در پی کشف حقایق بالاتر است. ساختار یعنی چگونگی صورت و ظاهر و هم‌خوانی اجزای متشکل برای بیان یک مفهوم.

از آن جا که هر قامتی را لباسی درخور است. هنرمند عزیز ما نیز کوشیده تا با این شیوه‌ی جدید در هنر خطاطی، بدون این که در اثر آسیبی وارد شود به نوآوری پرداخته است. عنصر ضخامت که از خصوصیات خاص خوشنویسی سنتی است به همراه منطقی که به طور طبیعی در حرکات ظاهری قلم و رؤیت مخاطب ایجاد می‌کند، در هر حرکتی، مواجهه با منطق خاص نشأت گرفته از روح و نظر کاتب را القاء می‌نماید.

توازن فضاهای مثبت و منفی و استفاده از فضاها برای ایجاد زیبایی



در آثار زیبای قمرالدین چشتی، همواره حرکت و پوییش و تکاپو را مشاهده می‌کنیم و دید مخاطب لحظه‌ای هم سکتگی را در هنگام مشاهده آن احساس نمی‌کند. فضای روشن و سرسبز توأم با سرزندگی و شکوه، حاکی از نگاه ژرف این دل‌باخته عرصه هنر خوشنویسی است.

نتیجه‌گیری

در آثار زیبای قمرالدین چشتی، همواره حرکت و پوییش و تکاپو را مشاهده می‌کنیم و دید مخاطب لحظه‌ای هم سکتگی را در هنگام مشاهده آن احساس نمی‌کند. فضای روشن و سرسبز توأم با سرزندگی و شکوه، حاکی از نگاه ژرف این دل‌باخته عرصه هنر خوشنویسی است. فهم زیبایی و چگونگی ترکیب‌بندی در فرم و ساختار این نوشته‌ها، درک عمیقی را می‌طلبد تا بتوان به چنین نظامی دست پیدا کرد. جنبش و تکاپو و تأکید به یک حقیقت از شاخصه‌های کار چشتی است که به خوبی قابل مشاهده‌اند. با وجود جلوه‌های زیادی که در این آثار دیده می‌شود اما هنرمند سعی نموده تا به ایجاد ترکیب‌های معجزه‌آسا و قراردادن الوان در میان آن‌ها، جلوه مادی خط و رنگ را پنهان نماید و آن را به معنا نزدیک بسازد. سایه و روشن و ژرفا که نشانه حجم مادی است را با قرار دادن رنگ‌های ساده و خفیف کم‌رنگ نموده؛ گویی از عالمی حکایت دارد که صورت دارد اما از جرم و ماده بری است.

اساساً به لحاظ مبانی تصویری این آثار از قوانینی مدون برخوردار هستند که همواره بر کل آن احاطه دارد و حاکم می‌باشد. این ویژگی محصول تفکری است که در قرابت و انسی که با خط و رنگ داشته به کمال رسیده است. یکی دیگر از ویژگی‌های این آثار، انتخاب مضمون و محتوای آن‌هاست که تأثیر روحی خاصی را به دنبال دارد. مضامین و مطالب عرفانی و برگرفته از عالم بالا و بار معنایی که دارند نیز را نمی‌توان در این تأثیرگذاری نادیده بگیریم.

منابع

- بوکهارت، تیتوس. روح هنر اسلامی. ترجمه دکتر حسین نصر، نشریه هنر و مردم.
- افندی، علی، مناقب هنرواران، بی‌نوشت آنه ماری شمیل.
- شمیل، آنهماری، فرهنگ و خوشنویسی اسلامی به نقل از مینورسکی، ترجمه دکتر مهناز شایسته‌فر، انتشارات فرهنگ و هنر اسلامی.
- هاشم‌نژاد، حسین، درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان بزرگ اسلامی، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.

دسترسی به انواع خط‌ها با درخشش ترکیبات متنوع هم در زمینه خطوط کلاسیک و هم در عرصه نقاشی خط که دیری نیست در افغانستان مروج شده، قابل ملاحظه است و هر صاحب ذوقی با مشاهده این قالب‌های نوین و با محتوای زرین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روش استاد و سبک و سیاقی را که در پیش گرفته، آذین‌بخش هنر خوشنویسی معاصر افغانستان است که هنرجویان سرگشته را به سرمنزل یار هدایت می‌کند.

جای بسی امیدواری و مسرت است که با کوشش خستگی‌ناپذیر ایشان در این دنیای پر از ظلمت، نوید بهاری خوش یمن و رسیدن سپیدی را به ارمغان می‌آورد.

وی با شیوه‌های مختلف خوشنویسی به خوبی آشنا بوده و با رعایت اصول و مبانی این هنر اصیل خلوت و جلوت، توازن و روانی و ملاحظت و استحکام را مطرح می‌سازد. در هنر اسلامی این قواعد را به کار می‌گیرند تا حرکت و فضا را بیافرینند. پراکندگی عناصر به هر سو و اجزای زیاد و متراکم در کنار هم؛ هنر اسلامی را نتوانسته پراکنده کند بلکه او به تمام اجزاء اشراف دارد و از همه آن‌ها در بیان مفاهیم بلند استفاده می‌کند. در هنر اسلامی با وجود اجزای زیاد، بی‌نظمی و به هم‌ریزی احساس نمی‌شود، بلکه هر کدام در جای خود آرام و باوقار ایستاده و نظاره‌گر تحولی جدید هستند.

استاد با کمک طرح‌های مستقل در واقع حرکت و فضا را آفریده است. فضا در نزد هنرمند چیره‌دست مانند موم است که به هر سو قابل انعطاف است.

به دیگر سخن، در این منظر هنرمند برای خلق آثار هنری با حرکت جوهری نفس و اشتداد وجودی از بند حس و ماده رهیده، از سکوی خیال به عالم حقایق عقلانی پر می‌کشد تا باز با وساطت خیال، ارمغان این سفر را صورت بخشیده ماحصل را بر صفحه بازنمایی کند (عوض پور و دیگران، بی‌تا: ۷).

ادبیات

افغانستان ویژه‌نامه عکاسی در



- عکس خبری تصویری از واقعیت، گفتگو با مسعود حسینی عکاس خبری / حسین حیدریگی / ۵۰
- بازنمایی خشونت در عکاسی خبری / محمد هدایت / ۵۸
- تاریخ هنر عکاسی در افغانستان / دین محمد جاوید / ۶۲
- افغانستان با چشم شیشه‌ای / کاظم حمیدی رسا / ۶۷
- عکاسی مطبوعاتی / مانی مشکین قلم / ۷۳
- لنز عکاسی در روانشناسی / بتول سید حیدری / ۸۱
- گالری‌های افغانستان / تهمینه تومیریس، رضنافیعی راد / ۸۵
- نسبت روایت و عکس / حسین حیدریگی / ۸۹
- مراکز تأثیرگذار در عکاسی افغانستان / بصیر بیتا / ۹۵
- مخفیانه‌های لعل بدخشانی، مقدمه‌ای به یک تصویر سیاه و سفید / صدیقی لعل زاد / ۹۹
- زمانه‌ها و زبانها / مروری بر عکس‌های استیو مک کوری و نجیب‌الله مسافر / عارف احمدی / ۱۰۱
- نمایه عکاسان افغانستان / حسین رهیاب، محمد جاوید، هادی مروج / ۱۱۳